عنوان:

عدم اعتناء به حالات

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | t-195 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/آشنایی با مسیر/ویژگی های مسیر |
| برچسب | آثار عمل، حالات، اعتماد، اصلاح اندیشه، تزکیه نفس، عرفانهای کاذب |
| توضیحات |  |

در تربیت توحیدی به آثار و حالاتی که برای شخص حاصل می‌شود، اعتنا نمی‌ شود. اما افراد غیر مهذب تمام زندگی و اعتبار خود را روی كشفیات و كراماتشان قرار می‌دهند.

در علوم دیگر وقتی شخص در رشته خود موفقیت بزرگی کسب می‌کند، چه بسا از هیجان نمی‌داند چه کار کند. این شخص در ابراز حالات خود را آزاد می‌بیند و حالت طبیعی اش هم اینطور است. او به خاطر آثار هیجان، رابطه‌اش با دیگران تغییر کرده است و این یک مسئله طبیعی است. اما در مسیر تربیتی این طور نیست.

در مسیر تربیتی اگر شخص یك چیزی درك كرد كه ‌ای بسا از آنچه افراد دیگر کسب می کنند، هم لذت بخش‌تر باشد. در این حالت بسیار بر خودش توجه دارد كه هیچ هیجانی به او روی ندهد. بلكه ظرفیتش باید به حدی بالا باشد كه اصلا احساس نكند به نتیجه‌ کار خود رسیده است. در مسیر تربیتی درحد بالایی ظرفیت وجودی و بندگی در محضر الهی برای انسان فراهم می‌شود که فقط توجه‌اش به این است که خدا چه تفضلی می کند، نه اینکه کار من چه اثری می گذارد.

در غیر مسیر تربیتی کسی را می‌بینی که زحمت كشیده است، ولی چون شكست خورده است، افسرده در یك طرف افتاده و هیچ كس نمی‌تواند به خاطر شدت ناراحتی این فرد، با او حرف بزند. اما در مسیر تربیتی اینطور نیست و فرد ده سال است زحمت می كشد و به هیچ نتیجه‌ای در ظاهر نمی‌رسد، بلکه احساس می كند وضعیتش روز به روز خراب می‌شود. اصلاً این خراب شدن با آن یكی فرق می‌کند. در رابطه‌ی توحیدی فرد از این‌ حالات بهره‌مند خواهد شد. باید بهره بگیرد كه وقتی خراب می‌شود، خداوند می‌خواهد چطور او را تربیت كند؟ با دید توحیدی وقتی به وضعیت وجودی‌اش و به حالاتش نگاه می‌کند، نه تنها ذره‌ای افسرده و ناراحت نمی شود بلكه همچنان از این حالات برای كمالاتش حداكثر بهره‌ توحیدی را می‌گیرد.

یكی از عزیزان بود كه بعد از چند ماه از انجام برنامه‌ای می فرمود« من شش ماه است كه به این برنامه عمل می‌كنم الان برنامه بعدی چطور خواهد شد؟» عرض كردیم كه این كتاب نیست كه ده بار این كتاب را خوانده‌ام و تمام كرده‌ام و خسته شده‌ام از خواندن این كتاب. كتاب بعدی چیست تا بخوانم؟ این طور نیست.

باید ببینیم كه این برنامه در وجودش تا كجا اثر كرده است. آیاخاصیتش را در این فرد گذاشته است یا نه؟ باید به صورت طبیعی به این نتایج برسد و به صورت اجباری ثمره‌ای ندارد.

یك پزشك اگر یكی از رگ‌های غیرقابل علاجِ فرزندش آسیب دیده باشد و هیچ راه حلی هم نباشد،چه كار می تواند بكند؟ در این وضعیت در اختیارش چیزی نیست ولو پزشك است ولو فرزند خودش است. اما تسلیم نظام آفرینش است. سعی‌اش را هم می‌کند، تمام کارها را تا آخرین امكانات به كار می‌برد؛ ولی چون می‌بیند كه قانون در نظام آفرینش به این حكم می‌کند، تسلیم است.قوانین عالم در دست او نیست که چون من پزشكم باید فلان و فلان شود. به هرحال برنامه و نتیجه به دست آمده از این دستورات نه تنها دست استاد نیست بلكه در اختیار هیچ احدی هم نیست خداوند در قرآن می‌فرماید: « فَإِنَّ اللَّـهَ یُضِلُّ مَن یشَاءُ وَیهْدِی مَن یشَاءُ»[[1]](#footnote-1)

پایگاه ندای پاک فطرت

1. فاطر، 8 [↑](#footnote-ref-1)